

# آموزش سبک زندگی دین‌محور و ارتباط آن با سطح فرهنگ‌پذیری زوجین (در میان خانواده‌ی کارکنان نیروی انتظامی)

محمد سمیعانی<sup>۱</sup> - هادی جعفریان<sup>۲</sup>

۱-۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۷/۸

## چکیده

مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه آموزش سبک زندگی دین‌محور و ارتباط آن با سطح فرهنگ‌پذیری زوجین بوده است. این پژوهش توصیفی-همبستگی بوده و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی که شامل آزمون همبستگی پیرسون بوده، استفاده شده است. ابزار اندازه‌گیری در این جستار پرسشنامه‌ی محقق ساخته با روایی و پایایی مورد قبول و در سه محور واکنش مخاطبین، سطح ادراکات و بهبود رفتار بوده است که میان ۱۰۳ نفر از مخاطبین حاضر (خانواده‌ی کارکنان نیروی انتظامی) در دوره‌های آموزشی ذکر شده که به شیوه‌ی تصادفی انتخاب شده بودند توزیع شد. مخاطبین گروه آزمایش، ۶ دوره‌ی چهار ساعته برنامه‌ی آموزش گروهی را در بازه زمانی ۹ ماهه دریافت نمودند که پس از پایان یافتن این ادوار، نتایج تحقیق موصوف نشان داد ارتباط عمیقی میان واکنش مخاطبین به آموزش‌های اجرا شده و ارتقا سطح معلومات آن‌ها با موضوع سبک زندگی دینی وجود دارد از سوی دیگر، میان تعالی سطح ادراکات و فرهنگ‌پذیری فراگیران همبستگی مثبتی وجود دارد؛ به طوری که می‌توان گفت دوره‌ی مذکور اثر بسزایی بر هویت فرهنگی مخاطبین ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: آموزش، سبک زندگی دینی، همسران، واکنش، ادراکات، هویت، فرهنگ

---

۱ - کارشناس ارشد علوم ارتباط اجتماعی، عضو هیأت تحریریه‌ی فصلنامه‌ی بصیرت و تربیت اسلامی

۲ - کارشناس ارشد الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی (نویسنده مسئول) ([jafarian137v@yahoo.com](mailto:jafarian137v@yahoo.com))

**مقدمه:**

هر جامعه برای شکل‌گیری و رشد اجتماعی خود، نیازمند بهره‌مندی از الگوهای مختلف رفتاری در سطوح مختلف است؛ در ایران نیز با ادبیات ویژه‌ای به این موضوع توجه می‌شود. «طبیعی است به اقتضای اسلامی بودن جامعه، بر سبک زندگی اسلامی- ایرانی تأکید ویژه‌ای شود و بر این اساس، برای نهاد اثرگذار فرهنگی، هم چون خانواده، توجه به آموزه‌های اسلامی و الهام گرفتن از الگوهای معرفی شده در این آموزه‌ها، برای شکل دادن به نوعی از سبک زندگی متناسب با شاخص‌های فرهنگی خاص جامعه‌ی ایرانی، مهم خواهد بود» (خواجه پور، ۱۳۹۳: ۲۶۲). اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک زندگی را مطالعه و بررسی و وضعیت هنجاری و شایستگی آن را از آموزه‌های اسلامی استنتاج کنیم، باید به بررسی ابعاد متعدد و متنوع سبک زندگی، در سه دسته‌ی کلی بینش، گرایش و کنش بپردازیم. بر این اساس، بینش، مجموعه‌ای نظام‌مند از باورهاست که هویت انسان براساس آن تعریف و ترسیم می‌شود و نمودهای عینی و رفتاری سبک زندگی انسان مسلمان و جامعه‌ی اسلامی با تکیه بر همین هویت ظهور و بروز می‌یابد؛ هویت "فرد در پاسخ به پرسش‌هایی از "کیستی" و "چیستی" و "چرایی" فرد از "خود" به ظهور می‌رسد (شیخاوندی، ۱۳۷۳: ۲۳) و "هویت فرهنگی" پاسخ همین پرسش‌ها در بستر فرهنگ جامعه است. گرایش نیز عبارت است از ارزش‌ها و هنجارهایی که سلیقه و توانایی ترجیح گروه‌های اجتماعی را جهت دهی می‌کند و در کنش به شیوه‌های رفتاری برگرفته از آموزه‌های اسلامی اشاره دارد. مجموعه‌ی این موارد در بخش‌های سه‌گانه می‌تواند نمایی کلی از سبک زندگی اسلامی ارائه دهد (نجف‌آبادی، صدیقی ارفعی، ۱۳۹۳: ۴۲۰). آن گونه که پیداست، دانش نمی‌تواند مستقل از زمینه‌های فرهنگی و عقبه‌ی معرفتی پدیدآورندگان آن باشد. در نتیجه، باید بازخوانی فرهنگ مسلمانان و آموزه‌های اسلامی با تکیه بر منابع معرفتی اسلام، سبک زندگی متناسب با فرهنگ دینی و سازگار با اقتضات عصری مدنظر باشد (پارسانیا، ۱۳۹۰: ۳۵).

سبک زندگی و مجموعه‌ی الگوهای رفتاری آن، اگر از تناسب فرهنگی برخوردار بوده و کارکردهای شایسته و مورد انتظار را به‌همراه داشته باشد، می‌تواند در پدید آمدن یک تمدن بزرگ انسانی، اثرگذار باشد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۵۶). بر این اساس، می‌توان گفت فرهنگ با سبک زندگی دارای هم‌پوشانی بوده و در واقع، سبک زندگی بخشی از فرهنگ را تشکیل می‌دهد (پیروزمند، ۱۳۸۹: ۴۲). از سوی دیگر، تمدن نیز بدون فرهنگ و جدای از آن قابل تصور نیست. پس فرهنگ به منزله‌ی روح و چارچوبی است که زمینه‌ی ایجاد تمدن را فراهم می‌سازد. آموزه‌های دینی از راه ارتقا و بهبود اندوخته‌های مادی و معنوی بشر و خصوصاً جهت‌دهی ویژه به این اندوخته‌ها، در ایجاد تمدن نیز اثرگذار است.

با این وصف، سبک زندگی و الگوهای آن جلوه و نمودی از بعد نرم افزاری فرهنگ به‌شمار می‌آید؛ اما تمدن، کلیت فرهنگ و از جمله سبک زندگی را به نمایش می‌گذارد. اگر سبک زندگی را به عنوان بخشی از فرهنگ در جهت‌گیری رفتاری افراد که از آن با عناوینی مانند سلیقه یا ترجیحات فردی و گروهی یاد می‌شود، تعیین کننده و مؤثر بدانیم، روشن است که این جهت‌دهی هم می‌تواند نیازهای انسان را تعریف و اولویت بندی کند؛ و هم می‌تواند شیوه تأمین این نیازها و راه برآوردن خواسته‌های انسانی را نشان دهد؛ و هم تناسب ابزارها و امکانات لازم برای تأمین نیازهای آدمی را با نظام معنایی و ارزش‌های فرهنگی موجود تعیین کند؛ بدین ترتیب، می‌توان گفت سبک زندگی، اثرات بنیادین و عمیقی بر شیوه‌ی شکل‌گیری هویت فرهنگی و همچنین ارتقا و گسترش آن خواهد داشت (فاضل، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

سبک‌های زندگی، به منزله‌ی مجموعه اعمال و گرایش‌هایی که در متن‌های خاص معنی می‌یابند، وابسته به صورت‌های فرهنگی‌اند. هر سبک زندگی برای خود یک حالت و شیوه‌ای برای استفاده از کالاها، مکان‌ها و زمان‌های خاص است که جهت‌گیری یک گروه را مشخص می‌کند. اما در عین حال، بیانگر کلیت تجربه‌ی اجتماعی آن‌ها نیست (چانی، ۱۹۹۶: ۴).

شکل‌گیری فرهنگی هویت که سبک‌های زندگی، ابزار و رسانه‌ی آن هستند، تا حد زیادی تابع الگوهای مصرف است. اعضای خانواده از آن‌چه محیط در اختیارشان قرار می‌دهد، عناصری را به میل خود برمی‌گزینند و با آن خود را تعریف می‌کنند. اشتراک در مصرف سرگرمی و فراغت، پوشش، آرایش و تزئین بدن و مصرف تمیزدهنده‌ی هویت‌های افراد به صورت انفرادی و در سطح گروهی است. بدیهی است که در پس هر دسته از سبک‌های زندگی، نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های خاصی را می‌توان یافت.

از آنچه بیان شد، اهمیت و نقش محوری سبک زندگی در هویت‌سازی و اهمیت زمینه و بستر اجتماعی در شکل‌دهی هویت‌ها را می‌توان استنباط کرد. اهمیت مفهوم سبک زندگی در ملاحظه‌ی توأم نقش عاملیت و شرایط ساختی و نیز توضیح تغییرات در گرایش‌ها و رفتار عاملان بر اساس چنین توازنی است. یوهانسون و میگل<sup>۱</sup> محققان سوئدی که شاید جوامع‌ترین و جاذب‌ترین بررسی تجربی سبک‌های زندگی را بتوان در آن‌ها یافت، با اشاره به این‌که هسته‌ی سبک زندگی در مفهوم هویت فردی قابل شناسایی است و از این‌رو تنها وابسته به جایگاه طبقاتی افراد نیست، مفهوم هویت را به اجزای فردی، اجتماعی و فرهنگی تفکیک می‌کنند و شکل‌گیری ارزش‌ها و سلیقه‌های فرهنگی را متأثر از سبک زندگی می‌دانند و اساساً، لزوم تفکیک این عناصر سه‌گانه‌ی هویت را در هرگونه بحث از هویت متذکر می‌شوند. همچنین، چنین تفکیکی رابطه‌ی پیچیده‌ی فرد و جامعه را در مفهوم سبک زندگی نشان می‌دهد. سبک‌های زندگی تنها متأثر از خاستگاه طبقاتی و متغیرهای زمینه‌ای چون جنسیت، محل زندگی، قومیت و متغیرهای مشابه نیستند. تعامل و توازن عوامل فردی و ساختی آفریننده‌ی سبک‌های زندگی است:

هسته‌ی سبک زندگی در هویت فرهنگی نهفته است. هویت فرهنگی هم می‌تواند فردی باشد و هم غیرفردی. برای فهم سبک زندگی در جوامع معاصر غربی می‌باید رابطه‌ی پویایی فرد و جامعه را شناخت (یوهانسون و میگل، ۱۹۹۲: ۹-۷۸).

<sup>۱</sup> Johansson & Miegel

سبک‌های زندگی را بدین ترتیب باید تجلی بیرونی فرهنگ دانست که رابطه‌ی افراد با دنیای بیرونی آن‌ها را نشان می‌دهد. افراد در زندگی روزمره‌ی خویش از سبک‌های زندگی برای شناسایی و تبیین مجموعه‌های بزرگ‌تر هویت و وابستگی استفاده می‌کنند(چانی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۱۲).

ویژگی دیگری که برای سبک‌های زندگی می‌توان برشمرد، این است که شکل‌گیری آن‌ها در ارتباط و گاهی در تقابل با فرهنگ مسلط است. سبک‌های زندگی عملاً فرهنگ‌ها زیست‌شده‌ای [عمل‌شده‌ای] هستند که افراد به کمک آن‌ها، فعالانه هویت خود را ابزار می‌دارند. اما این ابزار هویت در ارتباط با موقعیت آن‌ها نسبت به فرهنگ مسلط است. ساخته شدن سبک زندگی مستلزم سبک مشارکت فعال افراد به‌عنوان عاملان خلاق در نظم اجتماعی است و از همین روست که جوانان پیشگامان این ارتباط و هویت‌سازی فعال هستند. نظام اجتماعی نوگرایی، به‌خصوص با تأکید ویژه‌ی خود بر «تمایز» به‌عنوان یک ارزش و نیز بر ویژگی‌های «بازاندیشانه» عاملان اجتماعی، بستر مناسبی برای پیدایی سبک‌های زندگی است. به تعبیر گیدنز<sup>۲</sup>: «سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ی شیوه‌های رفتاری کمابیش متصل به یکدیگری تلقی کرد که فرد به آن‌ها توسل می‌جوید؛ نه فقط بدین لحاظ که چنین شیوه‌هایی تأمین‌کننده‌ی نیازهای نفع‌طلبانه هستند، بلکه از آن رو که سبک زندگی به تجلی خاصی از هویت فردی صورت مادی می‌بخشد»(گیدنز، ۱۹۹۱: ۸۱).

نکته‌ی قابل تامل این است که جامعه‌ی کنونی نتوانسته است بین باورهای بنیادین و فرهنگ اصیل اسلامی از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف، ارتباط معناداری به‌وجود آورد. در حال حاضر، سبک زندگی در کشورهای اسلامی مختلط از آداب و رسوم اسلامی و غربی است که ناشی از عدم شناخت صحیح از سبک زندگی اسلامی

<sup>۱</sup> Chaneg

<sup>۲</sup> Giddens

می‌باشد. غفلت از ارائه‌ی سبک زندگی اسلامی می‌تواند عواقب شومی را برای جوامع اسلامی در پی داشته باشد که جبران ناپذیر خواهد بود. حفظ سبک زندگی اسلامی و پایبندی به آن یکی از مهم‌ترین عوامل در حفظ فرهنگ و ارزش‌های اقتصادی قلمداد می‌شود؛ لذا در طول تاریخ یکی از شیوه‌های استعمارگری، تهاجم به نگرش و سبک زندگی در جوامع اسلامی است تا از این طریق زمینه برای تسلط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی هدف فراهم گردد. قبل از تغییر سبک زندگی، نگرش و دیدگاه افراد نسبت به مسائل فرهنگی دگرگون می‌شود و با تغییر رفتار و جهان‌بینی فرد زمینه برای انحراف‌های دیگر نیز فراهم می‌گردد. مهم‌ترین مسأله در سبک زندگی، فرهنگ زندگی کردن است که شامل: فعالیت‌های معیشتی، فرهنگ خانواده‌مداری، تشکیل خانواده و ازدواج، شیوه‌ی ظاهری افراد، پیروی از آداب و رسوم محلی، احترام به دیگران، نوع شهرسازی، شیوه‌ی تفریح‌ها و در نهایت نوع کالاهای مصرفی می‌شود. از آنجایی که جامعه‌ی ما بر نظام دینی و ارزشی تکیه دارد می‌باید سلوک زندگی اجتماعی و فردی بیانگر این اصول و مبانی باشد. آموزه‌ها و تعالیم اسلام در باب شیوه و سلوک زندگی مسلمانان، احکام و قواعد کاملی دارد که رعایت این اصول و قوانین لازم و ضروری است (خواجه پور، ۱۳۹۳: ۲۶۲). با عنایت به این مطلب که سبک زندگی در توسعه و نفوذ فرهنگ در بخش‌های گوناگون جامعه اثرگذار خواهد بود؛ فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که دین و آموزه‌های وحیانی مهم‌ترین عامل آن است.

رضایی و همکاران (۱۳۹۲) سبک زیستن را مبین بخشی از فرهنگ دانسته که در جوامع امروزی نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می‌نماید، چرا که با مسائل کلیدی و حساسی همچون هویت فردی و اجتماعی و فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب یا حداقل ایجاد احساس آزادی عمل پیوند خورده است؛ مسائلی که پاره‌ای از بنیادی‌ترین وجوه انسان را بیان می‌کند.

به عقیده‌ی شارف<sup>۱</sup> (۱۳۸۴) سبک زیستن منعکس کننده‌ی گرایش و ارزش‌های یک فرد یا گروه است که عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها و معیارها و ارزش‌های اخلاقی و در نهایت فرهنگ زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.

عوامل فرهنگی و اجتماعی تزلزل خانواده نیز در پروهشی بررسی شده است که در آن، عوامل فرهنگی شامل: عدم ایمان و اخلاق، عدم رعایت حقوق یکدیگر، دروغ گفتن، سوء تفاهم، درک متقابل، توقعات بی‌جا، خودبینی و خودپسندی، عدم آگاهی از زندگی مشترک، جدال و فقدان هدف در زندگی، و عوامل اجتماعی آن شامل دخالت دیگران، دوستان ناباب، هماهنگی طبقاتی، فقر و بیکاری، ازدواج تحمیلی، تفاوت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، رسیدن به ثروت و کار زیاد برشمرده شده‌اند (ایمانیان پور، ۱۳۸۴).

در نتایج یک بررسی میدانی مشخص شد، اختلال در فرهنگ‌پذیری همسر، تفاوت‌های جنسیتی و کمال‌گرایی جنسی در بین زنان و مردان، با پیوستگی و سازش‌پذیری کارکرد خانواده دارای ارتباط معناداری است؛ به‌گونه‌ای که اهمیت این باورها در کارکرد خانواده قابل ملاحظه است. نتایج این پژوهش، ضرورت توجه به اندیشه‌های غیرمنطقی مختص رابطه، استفاده از کلاس‌های آموزشی برای تصحیح این باورها و استفاده از رویکردهای درمانی - شناختی برای سازگاری زناشویی و افزایش کارکرد خانواده مورد تأکید قرار می‌دهند (سیف، ۱۳۸۴).

هر سال به آمار آشیان‌پاشیدگان مربوط به پدیده‌ی بیکاری افزوده می‌شود و پژوهش در برخی از شهرستان‌ها، از آمار تلخ ۴۶/۱۷ درصد جدایی به دلیل بیکاری حکایت می‌کند. یکی از دلایل عمده‌ی اختلاف‌های خانوادگی، ناشی از ترویج فرهنگ نادرست در محیط خانواده می‌باشد. بالا رفتن سطح توقع، تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی و هزینه‌های نوین در سبک خانواده به این معضل دامن می‌زنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶/۲۶ درصد از

<sup>۱</sup> Sharf

ازدواج‌ها به دلیل تفاوت سطح سن و تحصیلات به جدایی ختم شده است. اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، در حدود ۸/۴۲ درصد طلاق‌ها را رقم می‌زنند. که در این میان، سهم مردان به مراتب بیشتر از زنان است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۱/۷۹ درصد از طلاق‌های این محدوده پژوهشی، به دلیل عدم تمکین زن از شوهر بوده که در پاره‌ای موارد از استبداد و خودرأیی مردان سرچشمه می‌گیرد. طبق بررسی‌ها، ۶/۱۲ درصد طلاق‌ها، به دلیل مداخله‌ی دیگران از جمله پدر، مادر و وابستگان صورت گرفته است. از جمله موارد دیگر، عدم پرداخت نفقه، اختلافات خانوادگی، کتک‌کاری، تنفر زن از شوهر و برعکس، عقیم بودن، بیماری، چندهمسری، فساد اخلاقی، افترا و تهمت نیز در این جدایی‌ها دخیل‌اند (رحیمی، ۱۳۷۹).

در یک پژوهش پیمایشی، از ۱۲۳ مرکز مشاوره‌ی خانواده، ۱۳۳۴ مشاور را برای دستیابی به اینکه کدام یک از نظریه‌های روان‌درمانی در کار روزانه‌ی آن‌ها با مراجعان مفید بوده، بررسی کرده است. او به این نتیجه دست یافت که بیشتر مشاوران خانواده برای رفع اختلافات خانوادگی، از یک روی‌آورد التقاطی که ترکیبی است از خانواده درمانگری، روش حل مسئله و روان‌شناسی من، سود می‌جویند (فقیهی و رفیعی مقدم، ۱۳۸۸).

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که پژوهشگران ایرانی، بیشتر از نظر بنیادی و علت‌شناسی اختلاف‌های زناشویی به تحقیق پرداخته‌اند و به جنبه‌ی کاربردی و روان‌درمانگری زوج‌های ناسازگار توجه چندانی نداشته‌اند. برای نمونه، ملازاده (۱۳۷۲) در پژوهش خود به این نکته دست یافت که هم‌بستگی در عوامل شخصیت پرسش‌نامه‌ی شانزده عاملی کیتل در زوج‌های سازگار، در سطح ۹۵ درصد اطمینان بیشتر از زوج‌های در حال طلاق است. خدایناهی (۱۳۷۴) در پژوهش خود، همخوانی سطح تهییج‌طلبی زوجین را یک عامل مهم سازگاری زندگی زناشویی تلقی کرد. نوابی‌نژاد (۱۳۷۶) با پژوهش خود نشان داد که ازدواج موفق، با الگوی رفتار تیپ a ( $r=0.20$ ) و برون‌گرایی ( $r=0.16$ )، رابطه‌ی مثبت دارد. سلیمانیان (۱۳۷۳) با پژوهش خود نشان داد که میزان تفکرات غیرمنطقی در افرادی



که نارضایی زناشویی دارند، در سطح ۹۵ درصد اطمینان بیشتر از زوجینی است که رضایت زناشویی دارند. (دانش، ۱۳۸۲)

براساس مطالب عنوان شده، آموزه‌های دین به عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای جهت‌دهی و الگوبخشی به رفتار و کنش انسانی می‌باشند. در واقع، محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسان‌ها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون می‌شود که دین و آموزه‌های وحیانی آن می‌تواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه‌ی طولی، دین از یک سو فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و از سوی دیگر نظام و ساختار خاصی برای معیشت فردی و اجتماعی تعریف می‌کند؛ که خود به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاص، تحت عنوان سبک زندگی، یک کل منسجم و متمایز را پدید می‌آورد که به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری رسانده و تمایلات و ترجیحات برآمده از هویت فرهنگی را بارور می‌سازد.

در همین راستا و با عنایت به نقش و اهمیت آموزش مهارت‌های سبک زندگی دینی در محیط خانواده (ناظر بر مهارت‌های زندگی سالم)، این پژوهش در پی تایید اثربخشی آموزش‌های موصوف از سوی نهاد عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی استان چهارمحال و بختیاری بر سطح فرهنگ‌پذیری همسران شرکت‌کننده در ادوار آموزشی می‌باشد. به همین ترتیب و جهت دستیابی به هدف این تحقیق، فرضیات زیر مطرح می‌گردد:

(۱) به نظر می‌رسد میان واکنش بین آموزش سبک‌های زندگی و تدرکات همسران کارکنان در زمینه مهارت‌های سبک زندگی دینی، ارتباط معناداری وجود دارد.

(۲) به نظر می‌رسد میان واکنش بین آموزش سبک‌های زندگی و میزان فرهنگ‌پذیری همسران کارکنان، رابطه معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی - همبستگی انجام گرفته است و از نظر هدف، از جمله پژوهش‌های کاربردی در زمینه تربیت دینی محسوب می‌گردد. جامعه‌ی آماری در این تحقیق را مخاطبینی (زوجین) که در دوره‌های آموزش گروهی مهارت‌های سبک زندگی دینی ویژه خانواده کارکنان ناجا شرکت داشته‌اند تشکیل داده که تعداد آن‌ها ۳۰۰ نفر احصاء گردید. فرمول محاسبه حجم نمونه برای برآورد نمونه  $n = \frac{z^2 s^2}{d^2}$  بوده که در این جا  $s$  انحراف معیار صفت مورد نظر،  $Z$  ضریب اطمینان و  $d$  مقدار اشتباه مورد قبول در برآورد صفت مورد نظر می باشد. ضریب اطمینان در نظر گرفته شده ۹۵ درصد و  $d = 0.08$  استفاده گردید که با توجه به محاسبه آن در جامعه موصوف (با این وصف که تعداد جامعه مشخص بوده) تعداد نمونه ۱۰۳ نفر در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از روش آزمایشی استفاده شده است و نحوه کار بدین صورت بود که مخاطبین گروه آزمایش (خانواده‌ی کارکنان نیروی انتظامی استان) ۶ دوره چهار ساعته‌ی برنامه آموزش گروهی مهارت‌های سبک زندگی دینی را در بازه زمانی ۹ ماهه دریافت نموده و پس از پایان یافتن این ادوار، نظرسنجی مربوط میان ایشان توزیع، جمع‌بندی و با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت ارزیابی سطح واکنش و میزان رضایت فراگیران نسبت به فعالیت‌های آموزشی (محتوی دوره، مدرس، زمان و مکان، امکانات و نحوه سازماندهی) سطح ادراکات و میزان یادگیری فراگیران (مبانی و مولفه‌های سبک زندگی دینی، دانش روایی، دانش تربیتی، درک اجتماعی، درک فرهنگی) و سطح فرهنگ‌پذیری فراگیران نسبت به آموزش‌های موصوف (ترویج فرهنگ حجاب و عفاف، ترویج فرهنگ نماز، فرهنگ مسئولیت‌پذیری، فرهنگ ارتباطات زوجین، فرهنگ تفاهم در ارتباط با فرزندان، فرهنگ امنیت و آرامش و فرهنگ فرزندآوری) نظرات فراگیران در قالب پرسش‌نامه‌های طراحی شده (در قالب سه سطح یاد شده) اخذ گردید و مورد سنجش قرار گرفت. از آن‌جا که اخذ جواب‌های درست و معنادار از

شرکت‌کنندگان در این مرحله بسیار مهم و حیاتی است، بدین منظور پرسش‌نامه با سوالات بسته طراحی گردید تا منجر به پاسخ‌های دقیق و بدون ابهام از طرف شرکت‌کنندگان گردد، به پاسخ دهندگان از ناشناخته ماندن آن‌ها و محرمانه بودن اطلاعات، اطمینان داده شد (نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی در تکمیل پرسش‌نامه‌ها نبود). در بررسی نظرات شرکت‌کنندگان، از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم = امتیاز ۵، موافقم = امتیاز ۴، نظری ندارم = امتیاز ۳، مخالفم = امتیاز ۲ و کاملاً مخالفم = امتیاز ۱) استفاده شد. همچنین برآورد کمی از پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفا، در مجموع پرسشنامه ۰/۷۷ بوده است. مقدار آلفا برای متغیرهای سطح واکنش مخاطبین ۰/۷۷، سطح ادراکات ۰/۷۱ و سطح فرهنگ پذیری ۰/۸۳ می‌باشد. هدف از اتخاذ آزمون یاد شده در این پژوهش بررسی هم‌بستگی و ارتباط میان متغیرهای ذکر شده بوده است؛ بالطبع بالابودن سطح واکنش مخاطبین و ایجاد رضایت از دوره مذکور در بین مخاطبین ارتباط عمیقی با ارتقا سطح ادراکات ایشان با رویکرد سبک زندگی دینی دارد، به عبارت واضح‌تر، این‌گونه متصور است که میزان یادگیری مخاطبین از مطالب مطرح شده با رضایت ایشان از دوره ارتباط مستقیم دارد و با افزایش رضایتمندی، میزان یادگیری مخاطبین نیز افزایش پیدا خواهد کرد. همین رابطه در مورد هم‌بستگی میان متغیرهای دیگر تحقیق نیز موجود می‌باشد. لذا با توجه به این‌که متغیرهای موجود مقیاسی هستند، لزومی ندارد که از آزمون‌ها و جداول دوبعدی استفاده کنیم، بلکه به منظور تفسیر رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌توان از قوی‌ترین ضریب هم‌بستگی خطی یعنی ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده نمود. فرمول پیرسون یک فرمول متقارن، و دامنه تغییر مقدار آن از -۱ تا +۱ است. +۱ به معنای هم‌بستگی مستقیم کامل و -۱ نشانه هم‌بستگی معکوس کامل است. ضریب هم‌بستگی وجود، شدت و جهت رابطه میان متغیرها را می‌سنجد. نکته حائز اهمیت این که با توجه به ارزش‌گذاری انجام شده، میانگین پاسخ‌های داده شده برای هر مولفه در نظر گرفته شده است؛ ضمناً در آزمون هم‌بستگی پیرسون به سطح معناداری آزمون رجوع می‌گردد که چنانچه مقدار آن از ۰/۰۵ کم‌تر باشد فرض نبود تفاوت بین میانگین‌ها رد شده و بدین معنا

آزمون اتخاذ شده معنادار خواهد بود. و چنانچه بیشتر از مقدار موصوف باشد، آزمون معنادار نخواهد بود و به دنبال آن فرض تحقیق نیز رد می‌گردد.

### یافته ها:

**فرضیه اول:** به نظر می‌رسد آموزش‌های ارائه شده توسط نهاد عقیدتی سیاسی واکنش مثبت همسران کارکنان نیروی انتظامی (مخاطبین دوره‌های آموزشی) را در پی داشته است.

جدول شماره ۱- توصیف داده‌های مربوط به واکنش مخاطبین (رضایتمندی) به آموزش‌های اجرا شده

سطح	حجم نمونه	محدوده آماری (بر اساس پاسخ های ارائه شده)	پایین ترین محدوده پاسخهای ارائه شده	بالا ترین محدوده پاسخهای ارائه شده	میانگین پاسخ های ارائه شده	انحراف معیار	واریانس
واکنش مخاطبین	۱۰۳	۲۰۴۰	۲۶۰	۵	۳۰۹۳	۵۵۸	۳۱۲

جدول فوق آمار توصیفی مربوط به نحوه پاسخ‌گویی به سوالات سطح واکنش مخاطبین می‌باشد.

بر اساس جدول شماره ۱ و آمار موجود از قبیل: محدوده اطمینان به‌دست آمده از بالاترین پاسخ تا پایین‌ترین پاسخ و همچنین مواردی چون آمار کلی میانگین پاسخ‌های موجود، مثبت بودن واکنش مخاطبین و به تعبیر دیگر، رضایت ایشان از اجرای دوره‌ی مذکور تایید می‌شود.

**فرضیه دوم:** به نظر می رسد واکنش همسران از آموزش های اجرا شده با ارتقاء و تعالی سطح ادراکات ایشان در زمینه مهارت های سبک زندگی دینی، همبستگی (ارتباط) مثبت دارد.

جدول شماره ۲- آزمون همبستگی متغیرهای واکنش مخاطبین (رضایتمندی) و یادگیری از آموزش های اجرا شده

سطح	مقادیر	رضایتمندی	یادگیری
واکنش مخاطبین	ضریب همبستگی پیرسن	۱	۰.۳۷۲
	سطح معناداری آزمون		۰.۰۰۴
	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳
سطح ادراکات	ضریب همبستگی پیرسن	۰.۳۷۲	۱
	سطح معناداری آزمون		۰.۰۰۴
	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳

با عنایت به جدول شماره ۲ مشاهده می گردد که سطح معناداری آزمون برابر با ۰.۰۰۴ می باشد. به عبارت دیگر، به دلیل این که عدد مورد نظر کم تر از سطح معناداری آزمون می باشد، در نتیجه آزمون اتخاذ شده به لحاظ آماری معنادار می باشد. از موارد دیگر نسبت همبستگی این دو مقدار می باشد که عدد ۰.۳۷۲ را نشان می دهد، این داده (با در نظر گرفتن مقدار همبستگی تام=۱) نمایان گر همبستگی مثبت این دو سطح می باشد. به عبارت دیگر می توان گفت افزایش رضایت از دوره موجب تشویق مخاطبین در امر یادگیری از مطالب مطرح شده و بالطبع ارتقا سطح ادراکات ایشان در زمینه ی مهارت های سبک زندگی دینی شده است.

**فرضیه سوم:** به نظر می‌رسد واکنش همسران از آموزش‌های اجرا شده با فرهنگ‌پذیری ایشان ارتباط مثبت داشته است.

جدول شماره ۳- آزمون همبستگی متغیرهای واکنش مخاطبین (رضایتمندی) و فرهنگ‌پذیری مخاطبین

سطح	مقادیر	رضایتمندی	بهبود رفتار
واکنش مخاطبین	ضریب همبستگی پیرسن	۱	۰.۳۹۵
	سطح معناداری آزمون		۰.۰۰۰
فرهنگ‌پذیری	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳
	ضریب همبستگی پیرسن	۰.۳۹۵	۱
	سطح معناداری آزمون	۰.۰۰۰	
	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳

با عنایت به جدول شماره‌ی ۳ مشاهده می‌گردد که سطح معناداری آزمون برابر با ۰.۰۰۰ می‌باشد؛ به عبارت دیگر به دلیل این‌که عدد مورد نظر کم‌تر از سطح معناداری آزمون می‌باشد در نتیجه آزمون اتخاذ شده به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. از موارد دیگر نسبت همبستگی این دو مقدار می‌باشد که عدد ۰.۳۹۵ را نشان می‌دهد، این داده (با در نظر گرفتن مقدار همبستگی تام=۱) نمایان‌گر همبستگی مثبت این دو سطح می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت افزایش رضایت از دوره باعث ارتقا پذیرش مولفه‌های فرهنگی از سوی گروه آزمایش (مخاطبین) شده است.

**فرضیه چهارم:** به نظر می‌رسد ارتقا سطح ادراکات بانوان با رویکرد سبک زندگی دینی، همبستگی مثبتی با فرهنگ‌پذیری و بارور شدن هویت فرهنگی ایشان داشته است.

## جدول شماره ۴- توصیف داده‌های مربوط به سطح یادگیری مخاطبین

سطح	حجم نمونه	محدوده آماری (بر اساس پاسخ های ارائه شده)	پایین ترین محدوده پاسخهای ارائه شده	بالا ترین محدوده پاسخهای ارائه شده	میانگین پاسخ های ارائه شده	انحراف معیار	واریانس
سطح ادراکات	۳	۱۰۳	۲	۵	۳,۹۵	۰,۷۳۳	۰,۵۳۸

جدول بالا آمار توصیفی مربوط به نحوه پاسخ‌گویی به سوالات سطح معلومات و ادراکات فراگیران می‌باشد.

## جدول شماره ۵- آزمون هم‌بستگی متغیرهای یادگیری و فرهنگ پذیری

## مخاطبین

سطح	مقادیر	یادگیری	بهبود رفتار
سطح ادراکات	ضریب همبستگی پیرسن	۱	۰,۵۳۵
	سطح معناداری آزمون		۰,۰۰۰
	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳
فرهنگ پذیری	ضریب همبستگی پیرسن	۰,۵۳۵	۱
	سطح معناداری آزمون	۰,۰۰۰	
	حجم نمونه	۱۰۳	۱۰۳

با عنایت به جدول شماره ۵ مشاهده می‌گردد که سطح معناداری آزمون برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد؛ به عبارت دیگر به دلیل این که عدد مورد نظر کم‌تر از سطح معناداری آزمون می‌باشد در نتیجه آزمون اتخاذ شده به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. از موارد دیگر نسبت هم‌بستگی این دو مقدار می‌باشد که عدد ۰,۵۳۵ را نشان می‌دهد، این داده (با در نظر گرفتن

مقدار هم‌بستگی تام (=۱) نمایان‌گر هم‌بستگی قوی این دو سطح می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت بهبود فرایند یادگیری و بالطبع تعالی سطح ادراکات از مطالب عنوان شده در دوره‌های آموزشی (مهارت‌های اخلاقی) دوره باعث افزایش فرهنگ‌پذیری از سوی مخاطبین و رشد و تحول مثبت هویت فرهنگی ایشان شده است.

#### جدول شماره ۶- توصیف داده‌های مربوط به سطح فرهنگ‌پذیری مخاطبین

سطح	حجم نمونه	محدوده آماری (بر اساس پاسخ‌های ارائه شده)	پایین‌ترین محدوده پاسخ‌های ارائه شده	بالا‌ترین محدوده پاسخ‌های ارائه شده	میانگین پاسخ‌های ارائه شده	انحراف معیار	واریانس
فرهنگ‌پذیری	۱۰۳	۲،۲۰	۲،۸۰	۵	۴،۱۶	۶۱۱	۳۷۳

جدول بالا آمار مربوط به نحوه پاسخ‌گویی به سوالات سطح فرهنگ‌پذیری می‌باشد.

#### بحث و نتیجه‌گیری:

در راستای تایید فرض اول، نظر به داده‌های موجود و تحلیل توصیفی صورت گرفته، علاقه‌مندی به دوره‌های آموزش مهارت‌های سبک زندگی دینی در بین همسران (زوجین) مورد آزمایش امری متصور بوده و مورد تایید نیز قرار گرفت. علت طرح این فرضیه از آن جهت بوده است که منشاء ارتباط جهت دستیابی به اثربخشی دوره، اثبات واکنش مثبت مخاطبین یا به تعبیر واضح‌تر، علاقه‌مندی و رضایت از آموزش‌های مطرح شده می‌باشد. به عبارت دیگر، چنانچه رضایتمندی موجود نباشد، ارتباط میان متغیرهای دیگر بدون معنا خواهد بود. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه دوم و با عنایت به یافته‌های به دست آمده از آزمون هم‌بستگی پیرسون برای ارزیابی تاثیر آموزش مهارت‌های سبک زندگی دینی با در نظر گرفتن ارتباط میان سطح واکنش مخاطبین و ادراکات



فراگیران، ملاحظه می گردد که دوره‌های آموزشی مذکور بر علاقه‌مندی کارکنان از ادوار تربیتی و آموزشی مجموعه عقیدتی سیاسی اثر مثبت گذاشته و به همین جهت اثبات رضایتمندی کارکنان از ادوار موصوف قابل اثبات می‌باشد. از طرفی ارتباط این دو مقوله نیز اثبات شد، بدین نحو که نحوه اجرای دوره (از حیث مطالب عنوان شده، زمان، مکان، اساتید دعوت شده، نحوه مدیریت اجرای دوره و ...) بر روند یادگیری و افزایش معلومات و ادراکات مخاطبین اثر مثبت داشته است. اما نکته قابل بحث پایین بودن نسبت هم‌بستگی در مقایسه با سایر فرض‌ها می‌باشد که البته با توجه به رویکرد فرضیات ارائه شده قابل تفسیر می‌باشد. با توجه به این‌که یادگیری و افزایش سطح ادراکات امری فطری می‌باشد در نتیجه اثرپذیری قوی از مقولات دیگر مانند: رضایتمندی از دوره‌ی آموزشی مذکور، جهت تعالی ادراکات افراد متصور نیست؛ به دیگر سخن هر فردی به میزان ظرفیت وجودی خویش از مطالب ارائه شده بهره‌مند می‌گردد خواه از نحوه اجرای دوره رضایت داشته باشد خواه این امر میسر نشده باشد. لیکن در تجزیه و تحلیل صورت گرفته این هم‌بستگی متصور می‌باشد.

با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه سوم و با عنایت به یافته‌های به دست آمده از آزمون هم‌بستگی پیرسون برای ازریایی تاثیر آموزش مهارت‌های سبک زندگی دینی با در نظر گرفتن ارتباط میان سطح رضایتمندی و بهبود رفتار، ملاحظه می‌گردد که دوره‌های آموزشی مذکور بر علاقه‌مندی کارکنان از ادوار تربیتی و آموزشی مجموعه عقیدتی سیاسی اثر مثبت داشته و به همین جهت اثبات رضایتمندی کارکنان از ادوار موصوف قابل اثبات می‌باشد. از طرفی ارتباط این دو مقوله نیز اثبات شد، بدین نحو که نحوه اجرای دوره (از حیث مطالب عنوان شده، زمان، مکان، اساتید دعوت شده، نحوه مدیریت اجرای دوره و ...) بر افزایش فرهنگ‌پذیری مخاطبین اثر مثبت داشته است؛ لیکن با توجه به نسبت هم‌بستگی به دست آمده علت اشاره شده فوق در این فرض نیز صادق است. بدین نحو که رویکرد فرهنگی در هر فرد به طور مستقل بروز می‌یابد؛ هر چند در شرایط خاص (بسته به نوع فضا و زمانی که فرد در آن قرار دارد) این مهم تحت تاثیر اوصاف

مذکور قرار می‌گیرد لیکن عدد به‌دست آمده در آزمون هم‌بستگی ناظر به ارتباط همین مقوله می‌باشد.

در توضیح فرضیه چهارم، با توجه به مقدار بالای به دست آمده از طریق آزمون هم‌بستگی پیرسون، فرضیه‌ی مورد نظر اثبات می‌گردد. میزان پذیرش فرهنگ در افراد بسته به نوع شناخت و نگرش ایشان (اعم از مسائل اخلاقی، اجتماعی و...) به مفاهیم و مولفه‌های فرهنگی می‌باشد. با عنایت به موضوع این پژوهش و تبیین هدف آن مبنی بر شناخت سبک زندگی به عنوان ابزاری جهت شناسایی مولفه‌های فرهنگی، هر اندازه فرد نسبت به مهارت‌های سبک زندگی اشرافیت داشته باشد، فرهنگ‌پذیری در وی فزونی یافته و بدین واسطه هویت فرهنگی وی بارور خواهد شد.

از آنجا که در این آموزش، زوجین با مولفه‌های سبک زندگی آشنا شدند و معنای زندگی شرافتمندانه را باز یافتند؛ کوشش کردند از پستی‌ها و آنچه باعث تنش در زندگی‌شان می‌شد، خود را مصون نگه دارند. مبنای این نوع آموزش، کلام امیرالمومنین، امام علی علیه‌السلام است که فرمود: «من عرف شرف معناه صانه عن دنائه شهوته و زور مناه»؛ هر کس شرافت خود و معنا و هدف زندگی خویشتن را بشناسد، خود را از آلوده شدن به شهوت‌های پست و آرزوهای بیهوده مصون نگه می‌دارد (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۵: ۴۲۶). به تعبیر دیگر، امام علی‌السلام برای نکتۀ تأکید دارد که تا فرد به جنبه‌های وجودی خویش پی نبرد، از پیمودن راه نجات و خوشبختی، و پرهیز از تنش‌ها و ناراضی‌تی‌ها، باز می‌ماند و کسی که قدر خویشتن را نشناسد، به بدبختی می‌افتد. (همان، ج ۵: ۴۳۸)

با توجه به نتایج بالا و دینی بودن آموزش‌های ارائه‌شده - افزون بر اثربخشی محتوایی آموزش‌ها - شاید بتوان گفت که یکی از علل اثربخشی مناسب آموزش‌ها، این است که گاهی برخی زوجین، به عنوان وظیفه‌ی شرعی خود نیز اقدام به اجرای محتوای آموزشی می‌کنند؛ حتی اگر به نتیجه‌ی آن اطمینان نداشته باشند؛ چراکه آن را وظیفه‌ی شرعی خود

به شمار می‌آورند. بنابراین، نتیجه‌ی ضمنی این پژوهش همین خواهد بود که آن‌هایی که تعبد بیشتری در خصوص دستورات الهی داشته‌اند، در تغییر زندگی تنشی به زندگی آرام و سعادت‌مند، موفق‌تر بوده‌اند و احساس رضایت بیشتری دارند. این یافته، خود مؤید نتیجه‌ی پژوهش سیف (۱۳۸۴) است که نشان داده است تقیدات مذهبی زوجین با آنها رابطه‌ی هم‌بستگی دارد؛ به این معنا که با افزایش گنجینه‌ی معلومات در بعد تقیدات مذهبی زوجین (ناظر بر مولفه‌های سبک زندگی دینی)، فرهنگ ارتباطات حسنه و بهنجار نیز ارتقاء یافته و به دنبال آن میزان سازگاری زناشویی نیز بیشتر می‌شود.

همچنین، از آنجایی که محتوای آموزش‌های ارائه شده مهارت‌های سبک زندگی اسلام محور به همسران است، این یافته با نتایج پژوهش آقامحمدیان (۱۳۸۴) هم‌سویی نشان می‌دهد؛ چراکه نتایج گویای آن بود که بین عوامل عقیدتی، اخلاقی و رفتاری استحکام زندگی زناشویی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در صورتی که این عوامل نادیده گرفته شوند، فرهنگ روابط زناشویی نیز مختل خواهد شد.

منابع و مأخذ:

- آقامحمدیان، حمیدرضا و همکاران، (۱۳۸۴) بررسی عوامل مؤثر در تحکیم خانواده و رضایتمندی زناشویی، چکیده مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره).

- ایمانیان‌پور، منیژه (۱۳۸۴) عوامل تزلزل خانواده، چکیده مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

اولیاء، نرگس (۱۳۸۵) بررسی آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر افزایش رضایتمندی زوجین شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

پارسانیا، حمید (۱۳۹۰)، روش شناسی انتقادی حکمت صدرایی، قم: کتاب فردا.

پیروزمند، علی رضا(۱۳۸۹)، مبانی والگوی مهندسی فرهنگی، قم: دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.

خداپناهی، م.ک(۱۳۷۴)، بررسی نقش تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.  
خواجه پور، محمدمهدی(۱۳۹۳)؛ نگاهی به مبانی سبک زندگی در اسلام و غرب، بوشهر: سفیران مبین.

- دانش، عصمت(۱۳۸۲) زوج درمانگری اسلامی، مجموعه مقالات جوان و آرامش روان، مشکلات، مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

رحیمی، حسین(۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی بررسی دلایل طلاق در چند شهرستان استان خراسان، خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق.  
رضایی، جواد؛ احمدی، سید احمد؛ اعتمادی، عذرا؛ رضایی، مریم؛ شهردوست، مریم(۱۳۹۲)، تاثیر آموزش سبک زندگی اسلام محور بر نظام خانواده بر صمیمیت زوجین اراک، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، فصلنامه مطالعات روان شناختی. دوره ۹، شماره ۳.

سلیمانیان، علی اکبر(۱۳۷۳) بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر نارضایتی زناشویی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.  
سیف، سوسن و اسلامی، معصومه(۱۳۸۴) نقش باورهای ارتباطی در کارکرد خانواده، چکیده مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

شارف، ریچارد(۱۳۸۴) نظریه های روان درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: خدمات فرهنگی رسا.

شیخوندی، داور(۱۳۷۳)، جزوه درسی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی.

فاضل، حمید(۱۳۹۲)، سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

- فقیهی، علی نقی و رفیعی مقدم، فاطمه(۱۳۸۸) بررسی میزان اثربخشی آموزش های روان شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در رضایت زناشویی زوجین، مجله روانشناسی و دین، سال دوم، شماره سوم.

گیدنز، آنتونی(۱۳۸۱)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.

نوابی نژاد، شکوه(۱۳۷۷) بررسی ملاک ها و عوامل موفق در همسرگزینی و ارتباط آن با برخی از ویژگی های شخصیتی دانشجویان، اولین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

- نورمحمدی نجف آبادی، محمد؛ صدیقی ارفعی، فریبرز(۱۳۹۳)؛ نقش سبک زندگی اسلامی، بوشهر: سفیران مبین.

Change, D(۱۹۹۶), lifestyles, London:routledge.

Giddens, A(۱۹۹۱), Modernity and self Identity. Cambridge: Polity Press

Johansson, T and Miegel, F(۱۹۹۲), learning to labour: how working class kids get working class jobs, Farnborough:saxson hou

